

بہ نام خداوند بخشنده و مہربان

بررسی واژه:

غفران

محقق:

محمد جواد موگیہ

اساتید راہنما:

حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد کریم (زیدعزہ)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرادی (زیدعزہ)

مدرسہ علمیہ آیت العظمیٰ بہجت (رحمہ اللہ علیہ)

پایہ اول

سال تحصیل ۹۴-۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه	۴
فصل اول	۴
بخش اول بررسی غفر در لغت	۴
بخش دوم نظر معجم مقایس اللغه درباره واژه غفر	۱۰
نتیجه فصل اول	۱۱
فصل دوم	۱۲
بخش اول بررسی استعمالات واژه غفران در قرآن کریم	۱۲
بخش دوم بررسی استعمالات واژه غفران در احادیث	۱۹
فصل سوم نقش آموزش در تربیت فرزندان	۲۱
مقدمه	۲۱
آموزش در سعادت و شقاوت کودک	۲۱
آموزش و روحیه معنوی کودک	۲۲
آموزش و تاثیر والدین بر کودک	۲۲
آموزش و تاثیر لقمه حرام در فرزند	۲۳
آموزش و امنیت فرزند	۲۶
آموزش و مهرورزی به فرزند	۲۷
نتیجه گیری و خاتمه	۲۹
منابع و مأخذ	۳۰

مقدمه

در این پژوهش سعی شده است معنای دقیق و جزییات واژه غفران مورد بررسی قرار گرفته شود. در پایان این فصل به معنای جامع ای از این واژه دست پیدا می کنیم و سپس در فصل های بعدی به بررسی بیشتر می پردازیم. باشد که مورد توجه صاحب الزمان (علیه السلام) قرار گیرد.

فصل اول

بخش اول بررسی غفر در لغت

به نام خداوندی که عالم تحت لوای آمرزش او قرار دارد

عَفَرَ در این واژه پنج فضای معنایی وجود دارد، در هر مجموعه معنای جداگانه و منحصری مورد بررسی قرار میگیرد. این پنج فضا را به صورت جداگانه به ترتیب در ذیل مطلب می آوریم.

۱. ثلاثی مجرد:

عَفَرَ مضارع آن بروزن یَفْعِلُ است.

شش مصدر دارد که یکی از آنها مصدر میمی است.

فعل متعدی است > معنایش برای مفعول گناه یعنی پوشاندن برای او و عفو کرد از او.

حال اگر مفعول به را الامر در نظر بگیریم یعنی اصلاح کرد آن امر را.

پاپ ها (ثلاثی مزید)

باب تفعیل >عَفَّرَ معنای تاکید این باب را دارد

اگر مفعول به الرجل باشد >گفت؛ خدا او را ببخشد

باب افعال >ماضی این باب است مفعول هُ یعنی پوشانده برایش

باب تفاعل >دعا کرد هر کدام از افراد برای دوستش که آمرزیده بشود یعنی دو نفر که همدیگر را دعا میکنند معنای مشارکت این باب را می دهد

باب افتعال >یعنی بخشید برای او گناهش را

باب استفعال >دو مفعولی شد مفعول دوم هم با واسطه هم بی واسطه می آید، یعنی طلب کرد از خدا که ببخشد او را >>معنای طلب کردن

اسم ها

مصدر:

مصادر عَفَّرَ عَفِيراً عَفِیرَةً عَفَرَاناً مَغْفِرَةً غُفُوراً >برای گناه پوشاند خطایش را و او را عفو کرد

مفعول الشی یعنی پوشاند برای چیزی

پوشاند آنرا موی سفید

جوامد:

العُفْرَة: یعنی آن چیزی که پوشانده می شود با آن

همان العُفْرَة بامثال >غفر الشی یغفرته، آن را اصلاح کرد با آن چیزی که شایسته است با آن اصلاح شود.

الْغِفَارَة: ضرحی که می پوشد جنگجو زیر کلاه جنگی اش.

معنای دوم برای همین الغفاره: از بریدگی درخت قوسی کمان را ساختن

پارچه ای که زن زیر مقنعه یا سینه {خودش} می گزارد تا آن را بپوشاند

معنای آخر : هر چیزی که به وسیله آن چیزی پوشانیده شود

المَغْفَرَه یا المَغْفَرَه : جمع مَغْفِر است

زَرَدٌ یلبسه المحارب تحت الفلسفه : این جمله در معانی الغفاره همین واژه بود که دوباره در جمع مغافر همان معنی را می دهد یعنی به معنای ضرحی که یک جنگجو زیر کلاهش (کلاه خود) دارد

معنایی که از نظر بنده در اولین فضای معنای این واژه هست در کل این فضای معنای بیشتر به معنای پوشاندن و بعد بخشیدن اشاره می کند هر چند که کم و بیش به معناهای دیگری اشارات کوچکی میکند مانند معنای العَفیره

مشتقات:

العَفُور : برای مذکر ومونث است

العَفَّارَه : زیادی اخبار درهمه چیز

گفته شده است که این اسم از غفر مشتق شده است و گفته شده است که قطعا این واژه کلمه ای غیر عربی است

العَفَّار : بسیار یا زیاد آمرزنده

وآن از اسم های خداوند متعال است ومعنای آن پوشاننده برای گناه عبادت کننده ای که تجاوز کرده از خطاها و گناهانش

العَفِیر : گفته شده آمدن جمع مصدر غفیراً وجمع (زیادی) الغفیر وزیادی الغفیر یا جمع همه ی این ها شریف یاوضع می شود و می باشد در این ها کثرت وزیادی

العَفیره : نیست صلاح کردن به چیزی

حال اگر مفعول به را اکثره یا الزیاره در نظر بگیریم معنایش می شود نیست صلاح چیزی در زیادی یا کثرت

ثلاثی مجرد:

غَفَرَ ، يَغْفِرُ يَغْفِرُ: در این فضای معنای فقط اسم مصدر مورد بررسی قرار می گیرد و ثلاثی مزید ندارد

غَفَرًا الْمَرِيضُ: نکس مصدر غَفَرًا: در این جا به معنای (نکس) بیماری بیمار دوباره بازگشت

غَفَرَا الْجَرْحُ: اگر الْجَرْحُ را برای غَفَرًا در نظر بگیریم معنای انتقض را می دهد

انتقض ماضی باب افتعال است و به معنای آن چیز خراب شده است

غَفَرَا الْجَرْحُ: به نظر می رسد باتوجه به انتقض به معنای درست شدن یا خوب شدن زخم باشد

۳.

ثلاثی مجرد:

غَفَرَ يَغْفِرُ

باب (ثلاثی مزید)

اغْفَارَ در باب افعیلال رفته است ماضی این باب است

اغْفَارَ الثَّوَابَ: ثَارَ زَبْرُهُ یعنی خون پارچه یا کرک پارچه

جوامد:

الْغَفَرُ: همان واژه امادراینجا به معنای پارچه خونی است

الْغَفَارُ: یعنی مو مثل موریزه (کرک) که باشد در گردن و برای استخوان در صورت یا همان موی صورت و پشت کمر و مثل آن است

الْغَفَرُ: الغفر بازهمان کلمه بامعنای جدید یعنی صغار الكلاء یعنی (چه تازه چه خشک) کوچک علف ریزه

الْغَفِيرُ : ذوالغَفَر گفته می شود رَجُلٌ غَفِرُ الْقَفَا مرد پوشاند کمرش را یا وزن صورتش را پوشاند وامراه
غَفِرَهُ الْوَجْهَ

ای فی قفاه : یعنی در کمر آن مرد وفی وجهها تتعر كالزغب ودر صورت آن زن مو هست مثل موریزه

مصدر:

الْغَفِيرُ : شَعَر الزغب موی ریز در آورد

۴.

باب ها (ثلاثي مزید)

أَغْفَرَ الرِّمْتُ (وارد فضای معنای جدید شدیم باهمان ماده)

پوشاندن علف (گیاه) ، (خارج میکند پوشانیدن را از او) یا خارج میکند صمغی شیرین از گیاه آن
. درخت که به نظر بنده معنای دوم این کلمه جالب تر به نظر می رسد

اخرج مَغْفِيرَةً ای ما فيه من الصمغ

اخرج مَغْفِيرَةً : یعنی آنچه در آن (درخت) از صمغ شیرین یا از گیاه است (که صمغ شیرین معنای
بهتری را میرساند

تَغْفَرُ : اجتنی المغافير من الشجر : این واژه ماضی باب تفعّل است

یعنی جمع آوری کرد شیرینی هایی از درخت

جامد (در اینجا اسم غیر منصرف)

المِغْفَرَةُ والمُغْفَرَةُ والمُغْفُورُج مَغْفِير ومَغْفِير: صمغ یسیل من بعض الشجر

هر سه واژه جمع مَغْفِر ومَغْفِير هستند به معنای صمغ (شیرینی جاری شده از درختان)

۵.

الْغَفَر : باز همان کلمه در فضای معنایی جدید از همان ماده است . این فضا آخرین فضای معنایی واژه غفر است الغفر (فک) این واژه در علم فلک و به عبارت دیگر همان نجوم شناسی وارد میشود

ثلاثة انجم صغار بنزله القمر وهي من الميزان

سه ستاره کوچک است در میزان (برجی از برج های آسمان) که نازل می شود یا فرود می آید ماه از آن.

(ح) یعنی همین واژه از لحاظ علم حیوان

ولد الوعل : یعنی بچه گوزن یا بز کوهی

الْغَفَر (ح) دوباره باب حیوان است از همان ماده به معنای بچه گاو یا همان گوساله

الْغَفَار : میسم یکون علی الخد : یعنی علامت داغی می باشد روی گونه

الْمُغْفَرَة (ح) باز در باب علم حیوان معنا می شود

الأروية ذات الغفر : بز ماده کوهی است بچه دار به عبارت دیگر بز ماده کوهی بچه دار

این فضای معنایی در کل از نظر بنده علاوه بر اشاره ای کوتاهی که بر می داد بیشتر برای علم حیوات استفاده می شود

تمامی این ۵ فضای به معنایی که در واژه غَفَر بررسی شد از نظر بنده حقیر بطور مستقیم و غیر مستقیم باتوجه به شاخه های مختلفی بررسی واژه در کل معنای (پوشاندن) رامیتوان تقریباً از همه ی فضای معنایی این واژه در آورد.

بخش دوم نظر معجم مقایس اللغه درباره واژه غفر

کتاب مقایس اللغه در رابطه واژه غفر میگوید: از سه حرف اصلی غ ف ر تشکیل شده است و به معنی بزرگ کرد پوشاندن را و در کل نظر معجم مقایس این است که واژه غفر معنای پوشاندن را می دهد.

نظر التحقیق فی کتاب القرآن الکریم^۱

این کتاب در رابطه با واژه غفر می گوید: دراصل واحد این ماده معنای پوشاندن اثر می دهد و در رابطه با گناه استعمال میشود. معنای این واژه وقتی که گناهی صورت می گیرد واجب می شود به عبارت دیگر یعنی گناه یا خطای باشد معنای غفر روشن میشود و در قرآن به دو صورت آمده

۱- کسی گناه و خطایی میکند: اگر میخواهد پوشاندن گناهان و بخشش شامل میشود ملازم توبه است و باید توبه کند تا غفران شامل حال او گردد.

۲- کسی که خطا میکند: خداوند از رحمت بی پایان خویش شامل حالش میکند و او را می بخشد.

نتیجه: اینطور میتوان برداشت کرد که معنای واژه غفران در قرآن با رحمت خدا و یا با توجه به انسان تحقق پیدا میکند.

و این واژه رزق معنوی و مادی است و به سبب لطف و فیض خداوند درموانع تحقق پیدا میکند.^۲

آمرزش موجب رفع موانع میشود. آمرزش حاصل کرامت و هدایت و توبه به سوی خدا می شود. هنگامی غفران (آمرزش) حاصل می شود که توبه به گناه و خطا همراه با پشیمانی بر درون قلب باشد و در کل به معنای آمرزیدن است.

جلد ۴ صفحه ۲۴۱

جلد ۴ صفحه ۲۴۲

غفران درتوسل به سوی اولیای خدا می آید . برای آمرزیدن وبه عبارت دیگر برای حصول آمرزش از گناهان و خلاف باید به اولیای الهی متوسل شد تا با واسطه آنها آمرزیده شویم . همچنین حاصل نمی شود غفران در شرک به خدا و شریک قراردادن به خدا . زیرا این گناهی بزرگ است و غفران شامل حال مشرکان توحید نمی شود.

نتیجه فصل اول

واژه غفران در اینجا هم به معنای آمرزیدن است.

واژه غفران (آمرزش) این معنی پس از مرگ شامل (ما) میشود . همچنین قطعا کافران و دشمنان خدا و رسولش شامل این فیض و رحمت نمی شود . دین برنامه جامعی برای مسیر به سوی خدا آماده کرده است پس هرکس احکام تشرع دین را منحرف کرده و بدعت گزارد غفران و رحمت خداوند شامل او نمی شود.

در همه این امور غفران مراتب شدت وضعف دارد و در شدت مرتبه اصلاح کردن و توجه به آمرزش^۳ و رحمت و مشمول شدن (آمرزش) آن است.

مصادر واسم هایی که از آن اشتقاق شده اند در صیغه های مختلف مفهوم های گوناگونی دارند. این واژه در مبالغه و کثرت و رحمت خداوند نیز استعمال شده است .

نتیجه گیری کل از همه منابع موجود در پژوهش :

واژه غفران در آخر دوم معنای مهم و زیادی استعمال شده دارد

۱- پوشاندن ۲- آمرزیدن

که از نظر بنده حقیر معنای جامع باتوجه به استعمالات همان پوشاندن است چرا که خود آمرزیدن هم یک جورایی به معنای پوشاندن گناهان یا خطایا ست. در اکثر فضاهای معنایی این واژه هر چند شده بطور غیر مستقیم معنای پوشانیدن را میدهد.

فصل دوم

بخش اول بررسی استعمالات واژه غفران در قرآن کریم

غ ف ر ۲۳۴ مرتبه در قرآن کریم استعمال شده است

ثلاثی مجرد

فعل

ماضی

(عَفَرَ) ۳ مرتبه

(يَا عَفْرَى لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ) ۲۷ یس

که پروردگار من مرا بیامرزید و در زمره گرامی شدگان درآورد

(عَفَرْنَا) ۱ مرتبه

(فَعَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ حُسْنَ مَّآبٍ) ص ۲۵

ما این خطایش را بخشیدیم. او را به درگاه ما تقرب است و بازگشتی نیکو

مضارع

معلوم

(يَغْفِرُ) ۳۳ مرتبه

لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ

(يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ) وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره ۲۸۴)

از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است. آنچه را که در دل دارید خواه آشکارش سازید یا پوشیده‌اش دارید، خدا شما را بدان بازخواست خواهد کرد. پس هر که را که بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند. و خدا بر هر کاری تواناست

(يَغْفِرُونَ) ۲ مرتبه

(وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثَمِ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ) (شوری ۳۷)

و آن کسان که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب می‌کنند و چون در خشم شوند خطاها را می‌بخشایند

(تَغْفِرُ) ۴ مرتبه

(إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (مائده ۱۱۸)

با این حال، اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند) و اگر آنان را «(!بخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف

(تَغْفِرُونَ) ۱ مرتبه

یا ایها الذین آمنوا إِنْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَغْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (تغابن ۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است!

(نَغْفِرُ) ۲ مرتبه

(وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ) (بقره ۵۸)

و به یاد آرید آن زمان را که به شما گفتیم: به این قریه درآیید و از نعمتهای آن هر چه و هر جا که خواسته باشید به فراوانی بخورید. ولی سجده‌کنان از دروازه داخل شوید و بگویید: بار گناه از ما فرو نه. تا خطاهای شما را بیامرزیم و به پاداش نیکوکاران بیفزاییم

مجهول-

(يُغْفَرُ ۲ مرتبه)

(قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ) (انفال ۳۸)

به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آنها بخشوده خواهد شد و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می شود (و حکم نابودی آنان صادر می گردد)

امر-

(اغْفِرُ ۱۷ مرتبه)

لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ (ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (۲۸۶)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند. (انسان)، هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند): پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان)، بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان

مشتق

اسم فاعل

(غَافِرُ ۱ مرتبه)

(غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ) (غافر ۴)

خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است هیچ معبودی جز او نیست و بازگشت (همه شما) تنها بسوی اوست

صفت مشبّهه

(غَفُور) ۹۱ مرتبه

(فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (بقره ۱۹۲)

و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است

صیغه مبالغه

(غَفَّار) ۵ مرتبه

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً) (بقره ۱۰)

پروردگارا، به آنها گفتم بیاید توبه کنید از خداوند تعالی طلب مغفرت نمائید در حقیقت خداوند تعالی بسیار بخشنده گناهان است

جامد

مصدری -

(غُفْرَان) ۱ مرتبه

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (بقره ۲۸۵)

پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنچه که از طرف خداوند تعالی بر او نازل شده است، ایمان آورد. و مؤمنین نیز همگی به خداوند تعالی و ملائکه و کتابها و پیغمبران او ایمان دارند. مؤمنین می گویند: در ایمان آوردن، بین هیچ یک از پیغمبران خداوند تعالی فرق و تفاوت نگذاریم و گفتند: الهی احکام و آیات منزله

قرآن شریف را شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا از تو بخشودگی می‌خواهیم، آخر الامر در قیامت برگشت ما به سوی تو است

(مَغْفِرَه ۲۸ مرتبه مصدر میمی)

(دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً) نسا ۹۶

برای آنهایی که در راه خداوند تعالی جهاد می‌کنند، از طرف خداوند تعالی در آخرت چندین درجه ثواب و رحمت و مغفرت الهی موجود می‌باشند. خداوند تعالی به مخلوق خود رحم کرده و بخشنده است

ثلاثی مزید

استفعال

فعل

ماضی

(اِسْتَغْفَرَ ۲ مرتبه)

(فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً) نصر ۳

!! پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است

(اِسْتَغْفَرُوا ۲ مرتبه)

(ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) بقره ۱۹۹

سپس از همان جا که مردم کوچ می‌کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است

(اِسْتَغْفَرَتْ ۱ مرتبه)

(سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) منافقون ۶

برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد زیرا
خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند

مضارع

(يَسْتَغْفِرُ) ۲ مرتبه

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و
مهربان خواهد یافت

(يَسْتَغْفِرُونَ) ۷ مرتبه

(وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (ذاریات ۱۸)

و در سحرگاهان استغفار می‌کردند

(تَسْتَغْفِرُ) ۳ مرتبه

(تَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) (منافقون ۶)

برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد زیرا
خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند

(تَسْتَغْفِرُونَ) ۱ مرتبه

(قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (نمل ۴۶)

صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه)
«(رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟

(أَسْتَغْفِرُ) ۳ مرتبه

(قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) (یوسف ۹۸)

«!گفت: «بزودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم، که او آمرزنده و مهربان است

امر

(إِسْتَغْفِرُ) (۱۰ مرتبه)

(قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ) (یوسف ۹۷)

«!گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم

(إِسْتَغْفِرُوا) (۸ مرتبه)

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا) (نوح ۱۰)

به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است

(إِسْتَغْفِرِي) (۱ مرتبه)

(يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ) (یوسف ۲۹)

«!یوسف از این موضوع، صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بودی

(يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ) (یوسف ۲۹)

مشتق

اسم فاعل

(مُسْتَغْفِرِينَ) (۱ مرتبه)

(الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَرِ) (آل عمران ۱۷)

آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه)، استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر

خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند

(استغفار) (۱ مرتبه)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (توبه ۱۱۴)

و استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند) اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود

بخش دوم بررسی استعمالات واژه غفران در احادیث

۱. و قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من عبد اذنب ذنبا فقام فتطهر و صلى ركعتين و استغفر الله الا غفر له و كان حقيقا على الله ان يقبله لانه سبحانه قال: وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً

رسول الله - صلى الله عليه وآله - فرمود: بنده‌ای نیست که گناهی از او سرزند پس برخیزد و با غسل یا وضو و یا تیمم تحصیل طهارت کند و دو رکعت نماز به جا آورد و از خدا طلب آمرزش کند مگر اینکه خدا او را بیامرزد. و بر خدا سزاوار است که او را قبول فرماید، چون وعده فرموده که: هر کس عمل بدی کند یا ظلم به نفس خود نماید پس از خدا طلب آمرزش کند می‌یابد خدا را بسیار آمرزنده و مهربان

قال الباقر (عليه السلام) ما من مؤمن يصاب بمصيبة في الدنيا فيسترجع عند المصيبة و يصبر حين تفجأه المصيبة الا غفر الله له ما مضى من ذنوبه الا الكبائر التي اوجب عليها النار و كلما ذكر مصيبة فيما يستقبل من عمره فاسترجع عندها و حمد الله عز و جل الا غفر الله كل ذنبه اکتسبه فيما بين

حضرت باقر (عليه السلام) فرمود: هیچ مؤمنی به مصیبتی در دنیا گرفتار نمی‌شود که در مقابل آن مصیبت کلمه استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بگوید و صبر کند تا آن مصیبت بر او بگذرد، مگر آنکه خداوند تمام گناهان گذشته او را می‌آمرزد، مگر گناهان کبیره‌ای که خداوند وعده آتش در مقابل آنها

داده است. و هر وقت در آینده عمرش یاد آن مصیبت بکند و باز کلمه استرجاع بگوید و سپاس خدا را به جا آورد مگر آنکه خداوند گناهان بین دو استرجاع که گفته است می‌آمرزد مگر گناهان کبیره را

الإمام علیّ علیه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُكَ غُفْرَانُ الذُّنُوبِ وَكَشْفُ الْكُرُوبِ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۳. وَسَاتِرُ الْغُيُوبِ؛ لِأَنَّكَ الْبَاقِي الرَّحِيمُ الَّذِي تَسَرَّبَلْتَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَتَوَحَّدْتَ بِالْإِلَهِيَّةِ

امام علی علیه السلام: خداوندا! تو کسی هستی که آمرزش گناهان و از میان بردن اندوه‌ها، بر تو گران نمی‌آید و تو بسیار داننده نهان‌ها و پرده‌پوش عیب‌ها هستی؛ زیرا تویی پایدارِ مهربان که جامه پروردگاری بر تن کرده‌ای و در خدایی، یگانه گشته‌ای

الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: إِنَّ عَظِيمَ عَفْوِكَ يَسَعُ الْمُعْتَرِفِينَ، وَجَسِيمَ غُفْرَانِكَ ۴. ۴۹۳۴. يَغْمُّ التَّوَّابِينَ

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بخشایش سترگِ تو، اعتراف کنندگان را فرا می‌گیرد و آمرزش بزرگت، بازگشت کنندگان را در بر می‌گیرد

فصل سوم نقش آموزش در تربیت فرزندان

مقدمه

در این مقاله سعی کرده ام تاثیرات مختلف آموزش در فضاهای تربیتی گوناگون فرزند مورد بررسی قرار دهم. هرچند که بحث مفصلی دارد ولی در حد توان مسألی که از نظر بنده مهم تر هست را بیان میکنیم، باشد که مورد توجه حضرت بقیه الله علیه السلام شود.

از مهم ترین وظایف هر پدر و مادری تربیت درست و سالم فرزندان است و تغییر در تربیت و رفتارهای فرزندان امری ممکن است: زیرا اگر مقدور نبود در آیات و روایات این همه به تربیت فرزند تأکید نمی شد. باید بدانیم که تربیت درست فرزندان لازمه اش انتخاب همسر مناسب است چرا که پدر و مادر هم کف و متدین فرزندان سالم تحویل جامعه می دهند. گاهی والدین باید عیب فرزند خود را بپوشانند و بیامرزند! به عبارت دیگر اینکه والدین باید وظایف تربیتی خود را به خوبی انجام بدهند اما اگر فرزندی بد شد نباید بقیه بچه ها را فدای وی کرد و به قول شاعر: پسر نوح با بدان بنشست: خاندان نبوتش گم شد. رعایت دستورات اسلامی برای تربیت درست فرزند در حد اقتضاء است و نه علت تامه. در واقع از آنجا که انسان موجودی مختار آفریده شده است خودش باید برای رسیدن به کمال تصمیم بگیرد. انا هدیناه السبیل اما شاکر او اما کفوراً {راه رابه او نشان دادیم خواه سپاس گزار باشد خواه ناسپاس} آموزش به موقع فضای تربیتی کودک تاثیر زیادی دارد، در عین حال راه را هر کس خودش انتخاب میکند.

آموزش در سعادت و شقاوت کودک

در سعادت و خوشبختی کودک پدر و مادر هر دو تاثیر گزار هستند اما مادر نقش مهم تری را این مادر است که نه ماه تمام با کودک خود در ارتباط است. این مادر است که نه ماه تمام با فرزندش در ارتباط کامل است. اگر خوشحال شود در کودک درون رحم اثر می گذارد. داستان معروفی که به مادر شیخ انصاری گفتند: عجب پسری تربیت کردی! کسی که یکه تاز میدان علم است. مادر شیخ در جواب گفتند: توقع بیشتر از این داشتم چون یک بار نشد بدون وضو به او شیر بدهم! پس میبینیم وضو گرفتن هنگام شیر دادن به کودک تاثیر دارد. در نتیجه این همه اثرات در دوران بارداری بر روی کودک گذاشته می شود و چه خوب

است که زن و شوهری با بخشیدن و با آمرزیدن یکدیگر فرزند را از همان دوران بارداری درست تربیت کنند. چرا که اگر شوهری در اشتباهاتی که قابل آمرزیدن است همسر خود را نبخشد ممکن است زن خانه احساس ناراحتی عصبانی شدن و... پیدا کند و همین عامل اثرات منفی خود را در کودک درون رحم میگذارد. پس آمرزش زن و شوهر نسبت به یکدیگر در سعادت و شقاوت کودکشان اثر دارد.

آمرزش و روحیه معنوی کودک

والدین باید از سنین کودکی فرزند خود به فکر عبادت کودک خود باشند و به این نکته اهمیت دهند که به کودک خویش در این امر سختی نگیرند و اشتباهات کوچک او را بیوشانند، نسبت به بعضی خطاهای او آمرزش داشته باشند و در رابطه بعضی از عباداتی که شاید برای روحیه معنوی کودک مضر باشد چشم پوشی کنند و بهترین برنامه ی معنوی برای کودک حدیثی است از امام صادق علیه السلام که فرمودند: کودک تا سن هفت سالگی که رسید هفت بار (لا اله الا الله) را تکرار کنید تا بیاموزد سپس او را رها کنید تا سن سه سالگی و هفت ماه و بیست روز (محمد رسول الله) را هفت بار تکرار کنید تا بیاموزد، به سن چهار سالگی که رسید (اللهم صلی الله علی محمد و آل محمد) را هفت بار تکرار کنید به سن پنج سالگی که رسید دست راست و چپ را به او بگویید سجده کند و در شش سالگی نماز و رکوع و سجود را به او یاد دهید، به هفت سالگی که رسید بگویید دست و صورت خود را بشوید به نه سالگی که رسید وضو را به او تعلیم دهید و او را به نماز وادار کنید که در این صورت خداوند پدر و مادر او را می آمرزد؛ نکته ی جالبی که از این روایت برداشت میشود این است که والدینی که روحیه معنوی کودک خود را به نحو احسن طبق برنامه این روایت به انجام برسانند خداوند متعال آنها را مشمول رحمت خویش قرار می دهد و والدین را مورد آمرزش خود قرار می دهد.

آمرزش و تاثیر والدین بر کودک

طبق آنچه از کتاب های مختلف برداشت نمودم در چهار، پنج سال اول زندگی کودک تاثیر پدر و مادر و بقیه افراد خانواده در کودک بسیار زیاد است. در این سن کودکان تقلید کورکورانه و حس تقلید فوق العاده قوی دارند و اگر در این سنین فرزند خود را به طور دقیق مورد مراقبت قرار ندهیم در آینده فرزندی مطیع و دارای شخصیتی متعادل تحویل جامعه و خانواده خود می دهیم و گرنه زمینه انحراف فرزندمان را فراهم

میکنیم. والدین باید از این امتیاز سن کودک کمک گرفته و آموزش را به وی یاد دهند. همچنین با آمرزیدن به موقع جلوی برخی رزایل اخلاقی کودک خویش را بگیرند. اگر پدر و مادر به هم دروغ بگویند زمینه دروغ های بزرگ را در کودک خود پدید می آورند. اگر والدین نسبت به یکدیگر آموزش به موقع و چشم پوشی از ایرادات نداشته باشند زمینه نارضایتی زاید را در کودک خود پدید می آورند به عبارت دیگر در این صورت فرزند وقتی بزرگ شد دایما از مسایل مختلف ایراد میگیرد چراکه نیاموخته که از بعضی مسایل باید چشم پوشی کرد. زمانی پدر و مادری به روانشناسی مراجعه می کنند و از مشکلات پسر ۲۱ ساله خود به وی می گویند و از او کمک می خواهند که در تربیت فرزندمان چه کنیم؟ از او ناراضی هستیم. درمانگر در جواب آنها می گوید: برای تربیت فرزند خود ۲۱ سال پیش باید به امثال من من مراجعه می کردید نه الآن!!!

در روایتی آمده: حضرت لقمان به فرزندش می فرماید: اگر در سنین کوچکی تربیت شدی در سنین بزرگی سود خواهی برد.^۵

پس خوب است که در تربیت فرزندان خود از همان کودکی به او آمرزیدن و پوشیدن بدی های دیگران را یاد بدهیم.

آمزش و تاثیر لقمه حرام در فرزند

یکی از دستوراتی که اسلام بر آن در تربیت کودک تاکید فراوان دارد لقمه حرام است. امام سجاد علیه السلام در این رابطه میفرماید: حق شکم این است که آن ظرف را با حرام کم یا زیاد نکنی در حلال نیز میانه روی کنی، از حد تقویت به حد سستی و ناجوانمردیش نکشانی.^۶

باتوجه به تاثیرات فراوان لقمه حرام گاهی لازم است والدین از فرزندان خود چشم پوشی کنند و او را ببخشند. مثلا اگر فرزندی از والدین خود دزدی کرد باید رفتار مناسب با وی انجام دهند چراکه اگر والدین بدون برنامه فرزند خود را ببخشند و خطای او را مورد بررسی قرار ندهند ممکن است کارهای بد کوچک زمینه ساز گستاخی ها و دزدی های بزرگ تری در فرزند بشود. همچنین باید توجه داشت لقمه حرام فقط در خانه نیست و ممکن است کودک در بیرون خانه گرفتار لقمه حرام بشود. نکته دیگر حرام فقط لقمه نیست بلکه فعل های از قبیل تجاوز در حقوق دیگران از لقمه حرام بدتر است. پدر و مادری که از حق

بحار الانوار جلد ۱۰۴ صفحه ۹۵^۵

تحف العقول ۲۵۶^۶

یکدیگر تجاوز میکنند و در برخی مسایل از هم گذشت ندارند. دایما از زندگی گله مند هستند، نسبت بهم و نسبت به دیگران آمرزش ندارند؛ این والدین خودشان بادت خودشان دارند لقمه حرام به کودکان میدهند!! وقتی کودک مشاهده میکند پدر و مادرش نسبت به هم دیگر احترام قایل نیستند، چشم پوشی از خطایای یکدیگر ندارند مسلما این کودک در آینده همه ی رزایل اخلاقی مربوط به این موضوع را دارا میشود مثلا وقتی به جوانی رسید دایما از مسایل زندگی گله مند است و نمی تواند از برخی چشم پوشی کند. با توجه به اینکه کودک در سنین پایین شخصیتش طوطی وار شکل میگیرد باید بسیار دقت کرد که فرزندمان را چگونه تربیت میکنیم و دقت کنیم خودمان لقمه حرام را به او ندهیم. برای روشن شدن منظور بنده از لقمه حرام مطلبی را خدمتان ارایه میدهم.

طبق سخنانی که در رابطه لقمه حرام گفته شد به طور کلی لقمه حرام به دو دسته تقسیم میشود: ۱. لقمه طعامی حرام: که همان روزی انسان است و والدین باید توجه داشته باشند حتی ذره ای شکم فرزند و خودشان از حرام پر نشود

در این تقسیم اول داستانی نقل میکنم که جالب است: یکی از دانشمندان شبی پسرش را با خود به مسجد می برد. پسر از رفتن به درون مسجد خود داری میکند وقتی پدر می رود پسر که در حیات مسجد بوده مشکلی را میبیند و سوزنی بر آن میزند که آب در مشک شروع به بیرون آمدن می کند. پدر وقتی بر می گردد و صحنه را میبیند بسیار ناراحت می شود. به خانه می روند؛ مرد داستان را برای همسرش بازگو میکند و با ناراحتی می گوید من که به این بچه لقمه حرام ندادم که این خطا از اوسر زده پس از مقداری تامل زن به شوهرش می گوید: یاد دارم وقتی که باردار بودم به منزل همسایه رفته بودم که درخت انار آنها توجه مرا به خود جلب کرد به یکی از انارهای آن درخت سوزنی فرو بردم و مزه آب انارش را چشیدم.

آری طعام حرام و شبهناک حتی اگر ذره ای باشد در هر دورانی از زندگی اثر نامناسب بر آدمی می گذارد و یقینا در رفتار او بروز خواهد کرد و می بینیم سوزنی که مادر در دوران بارداری به درخت همسایه فرو کرده، در تکوین شخصیت کودک اثر گذاشته است. بهتر است اگر انسان حتی ذره ای لقمه حرام وارد زندگی اش شد آن را از خود دور کند همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و السلام در ضمن حدیثی می فرماید: ترک یک لقمه حرام نزد خداوند محبوبتر از ده هزار رکعت نماز مستحبی است.^۷

تبلیه الخواط جلد 2 صفحه 120^۷

نوع دوم لقمه حرام، حرام معنوی و روحی است:

یک عالمی میگفت: بعضی از والدین که فرزندان شان به انحراف و راه خلاف کشیده می شوند با خود می گویند مگر ما چه گناهی کردیم و یا چه لقمه حرامی به فرزندان دادیم که اینطور شده است؟!

این درحالی است که والدین توجه ندارند که لقمه حرام معنوی به کودکشان داده اند! خیلی از والدین به روح معنوی و عبادی فرزند خود توجهی ندارند و این بسیار خطرناک است.

چراکه به روح کودک خود لقمه حرام می دهند!

خیلی ها به غرایز روحی فرزند خود توجهی ندارند، خبر از محبت نیست، عشق نمی ورزند، آمرزش به موقع نسبت به رفتارهای نا به هنجار فرزند خویش ندارند و از این قبیل که مصداق لقمه حرام هستند.

لقمه نبخشیدن، چشم پوشی نکردن، لقمه سرخوردگی، لقمه شکستن شخصیت فرزند و امثال ذلک! اینان خود لقمه حرام هستند که بعضی از والدین به فرزندان خود می دهند و توجهی به این نکته ندارند که روح فرزند خود را بیمار میکنند ندارند. والدین باید روحیه معنوی خود را بسازند تا بتوانند فرزند خود تربیت کنند. روحیه آمرزیدن، بخشیدن به موقع مصداق های لقمه حلال برای روح است. برای بهتر روشن شدن مطلب حدیثی از پیامبر صلی الله و علیه و آله می آوریم

حضرت فرمودند: عبادت با تصرف حرام مانند ساختمان سازی روی یک آب است.⁸

در تعبیر این روایت آنچه برداشت نمودم این است که: منظور از عبادت همان روحیه معنوی و روح فرزند است و منظور از تصرف حرام همان قسم دوم لقمه حرام یعنی لقمه حرام معنوی است که گفته شد.

منظور از ساختمان سازی در این روایت همان تربیت فرزند است.

به کلی از این حدیث میتوان این نکته را برداشت کرد که اگر روحیه معنوی و لقمه حرام را در تربیت فرزندان مد نظر نداشته باشیم

بحار الانوار جلد 103 صفحه 120⁸

درواقع و به تعبیر این روایت تربیت فرزندمان را روی آب ساختیم و این یعنی هیچ!!!

آمزش و امنیت فرزند

یکی از عوامل تربیتی کودک آرامش روحی و امنیتی کودک در خانواده و اجتماع مثل مدرسه است.

چندین عامل وجود دارد که باعث می شود فرزند خود را در محیط خانواده در خطر ببیند و احساس آرامش نکند. از جمله: ۱. مشاهده تبعیض میان خود و خواهر و برادرانش ۲. مشاجره و مجادله والدین ۳. نادیده گرفتن رای و سخنان او ۴. جلوگیری از تفریحات و بازی کردن او ۵. قهر کردن و خشونت والدین با او ۶. زیاده روی کردن در نصیحت به او ۷. ملامت کردن افعال او و مقایسه کردن شخصیت فرزند با هم سن و سالانش ۸. عدم آمزش و پوشیدن برخی از مسایل فرزند

عدم آمزش پدر و مادر نسبت به فرزندان گاهی پیامدهای ناگواری دارد. برای مثال اگر فرزندی به والدینش دروغ بگوید و والدین متوجه بشوند، در این هنگام والدین با تذکر دادن تاثیر گزار باید به فرزند خود کمک کنند تا دیگر دروغ نگویید. اما برعکس اگر والدینی مُدام فرزندشان را سرکوفت کنند و بگویند چرا دروغ گفتی؟ برای چی اینطور کردی؟ فلان دوستت را ببین چه بچه ی راستگویی است. یا بگویند ما دیگر به تو اطمینان نداریم و از این قبیل مشاجرات.

این عوامل و عدم آمزش فرزند باعث می شود که فرزند به تدریج در روح خود عداوت با پدر و مادر را پرورش دهد و وقتی به سن استقلال رسید کج خلقی ها و رفتارهای ناشایست خود را کاملاً بروز می دهد. نکته دیگر اینکه والدین در مشکلات خانوادگی و بین خود باید غفران (پوشیدن) را داشته باشند. مسایل متفرقه را زن و شوهر باید پیش هم همچون یک صندوقچه طلایی نگه دارند؛ نباید فرزندان تا حد امکان از مسایل متفرقه که فقط به خود والدین مربوط می شود خبر دار شوند که این خطرناک است و متأسفانه دامن گیر خیلی از خانواده ها شده. پدر و مادر اگر عیبی در همسر خود می بینند باید به صورت راز آنرا بپوشانند و نزد خود داشته باشند نه اینکه خدای ناکرده عیب های خود را در مشاجرات روزانه نزد فرزندان فاش کنند و فرزندان را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عیب ها و نواقص خود باخبر کنند.

همانطور که قرآن کریم در رابطه پوشاندن عیب های همسران نسبت به یکدیگر می فرماید: هُنَّ لِنَاسٍ لِّكُم و انتم لباسٌ تَهنَّ

آنان برای شما پوشش (معنوی) و شما هم برای آنان پوشش (معنوی) هستید.⁹

در بحث آفرینش کودک باید به دختر خانه بیشتر توجه کرد و آمرزش نسبت به فرزند دختر بیشتر باشد. در این رابطه پیامبر صلی الله علیه وآله میفرماید: کسی که خداوند به او دختری عنایت کند، او را اذیت نکند، به او اهانت نکند و پسرش را بر دختر ترجیح ندهد خداوند او را وارد بهشت گرداند.¹

آمرزش و مهرورزی به فرزند

مهرورزی به کودک امری بسیار مهم است و بسیاری از مشکلات جوانان ما برمیگردد به عدم مهرورزی والدین به فرزند.

گاهی می شود والدین تصور می کنند مهرورزی به کودک فقط با پول دادن است در صورتی که این تصور کاملاً اشتباه است. مهرورزی به کودک راه های بسیاری دارد که به تفصیل در کتب تربیتی آمده است.

مهرورزی مصداق های گوناگونی دارد: سلام کردن مهرورزی است. در آغوش گرفتن کودک مهرورزی است. وقتی کودکمان حرف میزند ما باید فقط گوش باشیم. بگذاریم فرزندمان تا آخر سخن خود را به اتمام برساند. این خودش مصداقی از مهر ورزی است. آمرزیدن به موقع مهرورزی است. از صدر اسلام این سنت حسنه بوده است که با کودکان خود بازی کنیم. (همانطور که الگو و معلم ما پیامبر صلی الله علیه وآله این کار را می کردند). به خواسته ی فرزندمان توجه کنیم. گاهی فرزند نیاز به آمرزش دارد به عبارت دیگر گاهی پیش می آید فرزند خطایی میکند و از کار خود پشیمان می شود، اگر در اینجا والدین چشم پوشی از خطایش نکنند ممکن است فرزند احساس حقارت کند یا خودش را سرزنش کند و این ممکن است خطرناک بشود.

بقعه 187⁹

کذاالعمال صفحه 454¹

والدین خوب است خواسته های فرزند خود را برآورده کنند و اگر خیلی نمی توانند همین که به فرزند خود بفهماند خواسته هایش مورد توجه قرار دارد برای تربیت فرزند کافی است. در آنجا که کودک می خندد شما نیز بخندید با او همراه باشید، مسخره اش نکنید اگر لطیفه ای تعریف می کند و لو بی مزه اما با خنده دل او را شاد کنید و نگذارید ذوق فرزند از بین برود. در واقع بی مزگی افعال یا لطیفه فرزند خود را بیوشانید و در لبانتان خنده جاری کنید. والدین باید طوری رفتار کنند که فرزند خود را در حبس نبیند. خطرناک است اگر فرزندی در خانواده خود احساس تنهایی کند چرا که زمینه نافرمانی هایی از والدین و حتی فرار از خانه به طُرق مختلف می گردد.

گاهی مهرورزی همراه با آمرزش (یعنی مهرورزی در عین حالی که کودک از خود خطایی یا فعل بدی نشان داده است) بسیار تاثیر مثبتی دارد.

بیدار ماندن بالای سر فرزند هنگام بیماری، بوسیدن فرزند ساده ترین و عملی ترین را مهرورزی به فرزند است. متأسفانه بعضی والدین از همین کارهای ساده نسبت به فرزند خود کوتاهی می کنند که در آینده خسارت های جبران ناپذیری می بینند: خسارت هایی که دامان فرزند، خانواده و جامعه را می گیرد.

برخی والدین نیز متأسفانه جایگاه به موقع آمرزیدن را نمی دانند، به موقع نمی بخشند یا زیاد از حد خود افراط می کنند به عبارت دیگر جاهایی که نباید آمرزش به خرج دهند این کار را انجام می دهند.

در آخر باید به حدیثی اشاره کنم که اسلام می گوید تو اگر به فرزندت به موقع مهرورزی کنی هم تربیتش کردی هم رضایت الهی را به دست آوردی.

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله می فرمایند: هرکسی فرزند خود را ببوسد خداوند برای او حسنه می نویسد^{۱۱}

نتیجه گیری و خاتمه

روحانی مبارز شهید شیخ حسین جمالی رضوان الله می فرمایند: ثواب همینطور روی زمین ریخته است
عرضه می خواهد جمع کنیم!!!

آری آمرزش و آمرزیدن ثوابی است که می شود خیلی راحت آن را به دست آوریم.

باشد که گامی هرچند کوچک به سمت کمال برداریم.

در این مقاله واژه غفران از دو معنی پوشاندن و آمرزیدن مورد بررسی قرار داده شد.

همچنین مهم ترین جایگاه های که والدین باید به موقع آمرزش به خرج دهند گفته شد، فلذا باید این نیز
بدانیم که خیلی جاها اگر آمرزش و چشم پوشی نسبت به برخی مسایل صورت بگیرد میتواند برای تربیت
فرزند مضر باشد که در این مطلب جاهای که آمرزش مناسب و خوب است مورد بررسی قرار داده شده
است.

تقدیم به حضرت بقیه الله روحی واروحنا له الفداه

و تقدیم به ارواح پاک امام و شهدا

منابع و مأخذ

ردیف	کتاب	مؤلف	موضوع	زبان	جلد	قرن	وفات مؤلف
۱	تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة	شیخ حر عاملی، محمد بن حسن	جوامع روایی	عربی	۳۰	۱۲	۱۱۰۴ ق
۲	۱. یکصد و چهار نکته از قرآن پیرامون تربیت فرزند	اکبر دهقان	تربیت فرزند	فارسی	۱	معاصر	_____
۳	تربیت فرزند از نظر اسلام	حسین مظاهری	تربیت فرزند	فارسی	۱	معاصر	_____
۴	بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)	مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی	جوامع روایی	عربی	۱۱۱	۱۲	۱۱۱۰ ق
۵	تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله	ابن شعبه حرانی، حسن بن علی	اخلاق	عربی	۱	۴	قرن ۴
۶	مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل	نوری، حسین بن محمد تقی	جوامع روایی	عربی	۲۸	۱۴	۱۳۲۰ ق
۷	کتب العمال	_____	_____	_____	_____	_____	_____
۸	تبطیه الخواط	_____	جوامع روایی	عربی	۳۰	۱۲	۱۱۰۴ ق